

Role of Personality Functioning in Predicting Interpersonal and Emotional Problems

Leila Zaeimzadeh¹,
Mozhgan Lotfi²,
Mahdi Amini³

¹ MA Student in Clinical Psychology, Department of Psychology, Faculty of Literature, Humanities and Social Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

² Assistant Professor, Department of Mental Health, School of Behavioral Sciences and Mental Health (Tehran Institute of Psychiatry), Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

³ Assistant Professor, Department of Addiction, School of Behavioral Sciences and Mental Health (Tehran Institute of Psychiatry), Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

(Received June 13, 2020 ; Accepted August 25, 2020)

Abstract

Background and purpose: Personality functioning impairment (criterion A) is considered as one of the two essential criteria for diagnosing personality disorders in DSM-5. It includes self (identity and self-direction) and interpersonal (empathy and intimacy) components. This study aimed to investigate the role of personality functioning in predicting interpersonal and emotional problems.

Materials and methods: A cross-sectional research was conducted in 245 eligible men and women selected by convenience sampling in Tehran, Iran, 2019. Data were collected using a demographic questionnaire, the Level of Personality Functioning Scale (LPFS-BF 2.0), the Inventory of Interpersonal Problems (IIP-32), and the Difficulties in Emotion Regulation Scale (DERS). Data were analyzed applying Pearson correlation coefficient and hierarchical linear regression.

Results: Findings showed significant positive correlations between all personality functioning components and interpersonal and emotional problems ($P < 0.01$). Also, hierarchical regression showed that the interpersonal personality functioning ($P < 0.01$) and the subscale of empathy ($P < 0.01$) could significantly predict interpersonal problems. Furthermore, a significant positive relationship was found between interpersonal functioning and emotional problems ($P < 0.01$). In the meantime, the intimacy functioning had a stronger predictive value than empathy ($P < 0.01$).

Conclusion: Educational and interventional programs that could improve and adjust communication skills, and enhance empathy and intimacy in personality functioning could be of great help in overcoming interpersonal and emotional problems.

Keywords: personality functioning, interpersonal functioning, intimacy, empathy, interpersonal problems, emotional problems

J Mazandaran Univ Med Sci 2020; 30 (190): 97-108 (Persian).

* Corresponding Author: Mozhgan Lotfi - School of Behavioral Sciences and Mental Health (Tehran Institute of Psychiatry), Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran (E-mail: lotfi.mo@iums.ac.ir)

نقش کارکردهای شخصیت در پیش‌بینی مشکلات بین فردی و هیجانی

لیلا زعیم زاده^۱مژگان لطفی^۲مهدی امینی^۳

چکیده

سابقه و هدف: عامل نقص در کارکردهای شخصیت (ملاک A) به عنوان یکی از دو ملاک ضروری تشخیص‌گذاری اختلالات شخصیت در DSM-5، شامل مولفه‌های خود (هویت و خود جهت‌دهی) و بین‌فردی (همدلی و صمیمیت) می‌باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش کارکردهای شخصیت در مشکلات بین‌فردی و هیجانی، انجام شده است.

مواد و روش‌ها: پژوهش مقطعی تحلیلی حاضر در سال ۱۳۹۸ روی ۲۴۵ نفر از زنان و مردان واجد شرایط ورود به مطالعه، که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند، در تهران انجام شد. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های اطلاعات دموگرافیک، فرم کوتاه مقیاس سطوح کارکردی شخصیت (LPFS-BF 2.0)، مشکلات بین‌فردی (IIP-32) و مقیاس دشواری در تنظیم هیجان (DERS) گردآوری و با استفاده از روش‌های ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی سلسله مراتبی تحلیل شدند.

یافته‌ها: بر اساس نتایج، همبستگی مثبت و معنی‌داری در رابطه بین تمامی کارکردهای شخصیت با مشکلات بین‌فردی و هیجانی به دست آمد ($P < 0/01$). همچنین بر اساس نتایج حاصله از رگرسیون سلسله‌مراتبی، کارکردهای بین‌فردی شخصیت ($P < 0/01$) و زیرمقیاس همدلی با توان بیش‌تری قادر به پیش‌بینی مشکلات بین‌فردی بودند ($P < 0/01$). همچنین تنها رابطه میان کارکردهای بین‌فردی شخصیت با مشکلات هیجانی مثبت و معنی‌دار بود ($P < 0/01$) که کارکرد صمیمیت نسبت به همدلی، سهم پیش‌بینی‌کنندگی قوی‌تری داشت ($P < 0/01$).

استنتاج: با توجه به نتایج پژوهش به نظر می‌رسد تلاش در جهت اصلاح و تغییر مهارت‌های ارتباطی و همدلی، در حیطه کارکرد بین‌فردی شخصیتی همدلی و صمیمیت از طریق تهیه و تدارک برنامه‌های آموزشی و مداخله‌ای، کمک بسیار مؤثری برای فائق آمدن بر مشکلات بین‌فردی و هیجانی است.

واژه‌های کلیدی: کارکردهای شخصیت، کارکرد بین‌فردی، صمیمیت، همدلی، مشکلات بین‌فردی، مشکلات هیجانی

مقدمه

یکی از عوامل حائز اهمیت و تأثیرگذار در تنظیم هیجان‌ات در آن‌ها می‌باشد (۱). استراتژی‌های بهزیستی و سلامت روان‌شناختی افراد، توانایی مدیریت سازگارانه تنظیم هیجان، در حقیقت شکل به‌خصوصی

E-mail: lotfi.mo@iums.ac.ir

مؤلف مسئول: مژگان لطفی - تهران: ستارخان، خ نیایش، ک شهید منصوری، پلاک ۱، دانشکده علوم رفتاری و سلامت روان

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

۲. استادیار، گروه سلامت روان، دانشکده علوم رفتاری و سلامت روان (انستیتو روانپزشکی تهران)، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

۳. استادیار، گروه اعتیاد، دانشکده علوم رفتاری و سلامت روان (انستیتو روانپزشکی تهران)، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۲۴ تاریخ ارجاع جهت اصلاحات: ۱۳۹۹/۴/۲۰ تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۶/۴

از فرآیند خود نظم‌بخشی (Self-regulation) بعد از وقوع یک اتفاق یا تجربه منفی و یا آسیب‌زا و یا موقعیت‌های استرس‌زا و هیجانات شدید بوده و از جمله مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل فردی تعیین‌کننده سلامت روانی افراد می‌باشد (۲) و در مقابل نقص در تنظیم هیجان باعث بروز اختلالات روانی می‌گردد (۴،۳،۱). از طرفی دشواری در تنظیم هیجان (Difficulties in Emotion Regulation) یک نوع سازه شخصیتی محسوب می‌شود که در آن فرد قادر به درک، پردازش و بیان هیجانات خود به روش صحیح نیست و در این زمینه ناتوانی دارد (۵). از سویی دیگر برقراری روابط با سایر افراد، جزء لاینفک زندگی همه افراد بوده که به عبارتی تعاملات بین فردی را دربر می‌گیرد و بر کیفیت زندگی افراد تأثیر به‌سزایی دارد (۶). در حقیقت یکی از مشکلات عودکننده در روابط بین فردی و به عبارتی یکی از مهم‌ترین دلایل مراجعه افراد برای روان‌درمانگری، مشکلات بین فردی (Interpersonal Problems) می‌باشد (۷) و آنچه در این میان مهم جلوه می‌کند این است که درجات بالای مشکلات بین فردی، تیدگی بیش‌تر و تعارضات بین فردی مزمن را به دنبال دارد (۸). مشکلات بین فردی دربرگیرنده رفتارهایی است که باعث ایجاد مشکل در برقراری روابط سالم و پایدار، مشارکت و همکاری با سایر افراد و قدردانی و تمجید از دیگران می‌شود و موجب بروز واکنش‌های اجتماعی غیرمعتولانه‌ای می‌شود (۹).

نکته اساسی در این میان این است که خصیصه‌های شخصیتی از جمله ویژگی‌های پایداری هستند که در تمامی ابعاد از جمله رفتاری و ارتباطی تأثیر گذارند (۱۰). با در نظر گرفتن این نکته به نظر می‌رسد که شخصیت از جمله متغیرهای تأثیرگذار در هر دو زمینه مشکلات بین فردی و هیجانی باشد. شخصیت، روی یک پیوستار قرار دارد که در یک سمت پیوستار ویژگی‌های بهنجار قرار دارند و رفته رفته ویژگی‌های پررنگ شخصیتی مشخص می‌شوند و در نهایت در سوی دیگر طیف اختلالات شخصیت قرار دارند (۱۱). نقص در کارکردهای

شخصیت (Personality Functioning) (ملاک A)، به عنوان یکی از دو ملاک ضروری مدل ابعادی برای تشخیص‌گذاری اختلالات شخصیت در نسخه پنجم راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (DSM-5)، در نظر گرفته شده است که در سال‌های اخیر توجه زیادی را به خود مبذول داشته است. در واقع مدل ابعادی (Dimensional) یک رویکرد جایگزین و یک روش مبتنی بر خصیصه (trait-based) بوده که فاقد محدودیت‌های رویکرد مقوله‌ای در DSM-IV-TR می‌باشد. بر اساس نتایج پژوهش‌ها مشخص شده است که محور اصلی آسیب‌شناسی شخصیت در مدل ابعادی، آسیب کلی در کارکردهای شخصیت می‌باشد (۱۲،۱۳). کارکردهای شخصیت در دو سطح کلی خود و بین فردی تبیین شده‌اند که سطح خود، شامل دو کارکرد هویت (identity) و خودجهت‌دهی (self-direction) بوده و سطح بین فردی شامل دو کارکرد همدلی (empathy) و صمیمیت (intimacy) می‌باشد (۱۴). بنابر آنچه ذکر شد در پژوهش حاضر به بررسی نقش کارکردهای شخصیت در پیش‌بینی مشکلات بین فردی و هیجانی پرداخته شده است. لازم به ذکر است که به دلیل وجود پیشینه تحقیقاتی کم در زمینه عنوان مورد بررسی، بنابراین به ذکر چند پژوهش که به لحاظ محتوایی نزدیک به موضوع مورد بررسی و اهداف پژوهش هستند، پرداخته می‌شود. نتایج پژوهش Kizilkurt و همکاران (۱۵) با هدف بررسی تأثیرات کارکردهای شخصیت روی کارکردهای کلی بیماران مبتلا به اختلال دو قطبی نوع یک، نشان داد که نقص در کارکردهای شخصیت پیش‌بینی‌کننده ضعف در کارکرد کلی می‌باشد. در پژوهش Benzi و همکاران (۱۶) با هدف بررسی ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی ناسازگار (بر اساس مفهوم‌سازی مدل جایگزین DSM-5 برای سنجش اختلالات شخصیت) و کارکردهای شخصیت، نتایج حاکی از آن بود که ابعاد کارکرد شخصیت (کارکرد خود و کارکرد بین فردی) تعدیل‌کننده رابطه

بین درونی کردن ویژگی‌های شخصیتی ناسازگار با آشفستگی روانی بود. در پژوهش دیگری (۱۷) با عنوان رابطه بین ابعاد نابهنجار شخصیت با ابعاد بدتنظیمی هیجانی در دانشجویان، نتایج حاکی از ارتباط مثبت معنادار بین ابعاد نابهنجار شخصیت با بدتنظیمی هیجانی بود و این رابطه می‌تواند بسیاری از مشکلات بین فردی و هیجانی مرتبط با صفات نابهنجار شخصیت را تبیین کند. پژوهش Abbott (۱۸) با هدف بررسی رابطه دشواری در تنظیم هیجان با صمیمیت و آشفستگی رابطه انجام شد. نتایج این پژوهش نشان داد بین صمیمیت و کارکردهای رابطه با دشواری‌های تنظیم هیجان (مشکلات هیجانی) رابطه معناداری وجود دارد. در پژوهش Gutiérrez و همکاران (۱۹) به منظور بررسی رابطه بین همدلی، رفتارهای اجتماعی، پرخاشگری، خودکارآمدی و مسئولیت‌پذیری هیجانی و فردی دانش‌آموزان، نتایج حاکی از آن بود که بین همدلی، خودکارآمدی، مسئولیت‌پذیری، مردم‌آمیزی و رفتارهای جامعه‌گرا، ارتباط مثبت وجود دارد. در خصوص پژوهش‌های عنوان شده که متغیر همدلی یا صمیمیت را مورد بررسی قرار داده‌اند، ذکر این نکته ضروری است که در این مطالعات این متغیرها به عنوان یک متغیر روانشناختی خارج از سازه شخصیتی در نظر گرفته شده و در واقع به صورت یک حالت (state) مد نظر قرار گرفته‌اند. در حالی که در پژوهش حاضر بر اساس آنچه پیش‌تر ذکر گردید، ابعاد کارکردهای شخصیت از جمله همدلی و صمیمیت به عنوان یک خصیصه (trait) و به عنوان بخشی از سازه شخصیتی، مورد امعان نظر قرار گرفته‌اند. همچنین با توجه به مطالعات اندکی که به‌طور مستقیم به بررسی موضوع پژوهش حاضر پرداخته بودند و همچنین نیافتن سابقه انجام چنین مطالعه‌ای در ایران، این پژوهش در نوع خود کم‌نظیر و دارای نوآوری‌های خاص می‌باشد و یافته‌های حاصل از این پژوهش بر غنای دستاوردهای پیش‌گفته در این زمینه خواهد افزود. با توجه به وجود رابطه احتمالی بین کارکردهای شخصیت با

مشکلات بین فردی و هیجانی، این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سؤال است که آیا کارکردهای شخصیت قادر به پیش‌بینی مشکلات بین فردی و هیجانی می‌باشند؟

مواد و روش‌ها

این پژوهش یک پژوهش از نوع مطالعات مقطعی و تحلیلی است. جامعه آماری این پژوهش شامل زنان و مردان شهر تهران در سال ۱۳۹۸ بود. منطق انتخاب حجم نمونه این بود که به ازای هریک از خرده مقیاس‌های موجود در پرسشنامه‌های مورد استفاده در پژوهش (۱۶ خرده مقیاس) حدود ۱۰ نفر به‌عنوان نمونه در نظر گرفته شد (۲۰، ۲۱). لذا حجم اولیه نمونه ۱۶۰ نفر تخمین زده شده اما به منظور جلوگیری از ریزش احتمالی نمونه‌ها و افزایش توان آزمون‌های آماری، تعداد ۲۶۰ نفر در نظر گرفته شد که البته از این میان، تعدادی از نمونه‌ها به دلیل ناقص بودن پرسشنامه، حذف شده و در نهایت ۲۴۵ نفر (۱۳۸ نفر زن و ۱۰۷ مرد) به‌عنوان نمونه در پژوهش باقی ماندند. جهت جلوگیری از سوگیری در انتخاب آزمودنی و بدین‌منظور که افراد مختلف از تمامی مناطق شهر تهران، در پژوهش حضور داشته باشند، شهر تهران به ۵ منطقه شمال، جنوب، مرکز، شرق و غرب تقسیم گردید و از هر منطقه، دو مرکز فرهنگی تفریحی انتخاب شد. سپس در هریک از این مراکز، پرسشنامه‌ها بین افراد برخوردار از ملاک‌های ورود به پژوهش (قرار داشتن در دامنه سنی ۱۸-۶۰ سال، سکونت در شهر تهران و رضایت آگاهانه به شرکت در پژوهش) توزیع گردید. البته از این میان، تعدادی از نمونه‌ها به دلیل ناقص بودن پرسشنامه‌ها، حذف شدند و در نهایت ۲۴۵ نفر به‌عنوان نمونه در پژوهش باقی ماندند. بعد از تکمیل و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، داده‌ها بر اساس روش نمره‌گذاری هر پرسشنامه، استخراج گردید.

ابزارهای پژوهش

۱- پرسشنامه محقق ساخته دموگرافیک: این پرسشنامه جهت بررسی ویژگی‌های دموگرافیک آزمودنی‌ها

ساخته شده است و در آن اطلاعات تکمیلی افراد نمونه همچون سن، جنسیت، میزان تحصیلات، وضعیت شغلی گنجانده شده است.

۲- فرم کوتاه مقیاس سطوح کارکردهای شخصیت (LPFS-BF 2.0): این ابزار توسط Hutsebaut و همکاران (۲۲) جهت سنجش نقص در کارکردهای شخصیت به عنوان یک ابزار خود گزارش دهی کوتاه و کاربر پسند طراحی گردید. این پرسشنامه، یک مقیاس خود گزارشی ۱۲ سؤالی است که کارکردهای شخصیت را در دو سطح کلی خود و بین فردی که شامل ۴ سطح هویت و خودجهت دهی (در سطح کارکرد خود) و همدلی و صمیمیت (در سطح کارکرد بین فردی) می باشد، می سنجد. این گویه ها بر روی یک مقیاس لیکرت ۴ درجه ای از صفر (کاملاً غلط) تا ۳ (کاملاً درست) نمره گذاری می شوند. در پرسشنامه LPFS که مقاله آن آماده شده است ضریب همسانی درونی از طریق آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۷ و برای کارکردهای خود (درون فردی) و بین فردی به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۸۱ به دست آمده است که حاکی از پایایی قابل توجه این ابزار است (۲۳).

۲- پرسشنامه مشکلات بین فردی (IIP-32): فرم ۳۲ سؤالی مقیاس مشکلات بین فردی، یک ابزار خود گزارش دهی است که گویه های آن در رابطه با مشکلاتی است که افراد به طور معمول در روابط بین فردی تجربه می کنند. این فرم توسط Barkham و همکاران (۲۴) به عنوان یک نسخه کوتاه از فرم اصلی (فرم ۱۲۷ سؤالی) به منظور استفاده از این ابزار در خدمات بالینی طراحی شد. این فرم بر اساس تحلیل عاملی اکتشافی از فرم ۱۲۷ سؤالی با در نظر گرفتن چهار گویه ای که بیشترین بار عاملی را در هر زیر مقیاس دارند، به دست آمد. این مقیاس دارای ۸ زیر مقیاس می باشد: مردم آمیزی، جرأت ورزی (صراحت)، مشارکت با دیگران، حمایت از دیگران، پرخاشگری، گشودگی، در نظر گرفتن دیگران و وابستگی به دیگران. این گویه ها بر روی یک مقیاس لیکرت ۵ درجه ای از صفر

(کاملاً مخالفم) تا ۴ (کاملاً موافقم) نمره گذاری می شوند. این فرم تهیه شده دارای روایی و اعتبار بالایی می باشد. این مقیاس بعد از هنجاریابی در ایران از ۳۲ گویه اولیه، گویه های ۶، ۱۹ و ۳۱ به دلیل بار عاملی ضعیف و قرار گرفتن همزمان بر روی بیش از یک عامل (با بارهای عاملی نزدیک به هم) از فهرست گویه های پرسشنامه حذف شدند و در نهایت این مقیاس به ۲۹ گویه و ۶ خرده مقیاس تقلیل یافته است (۲۵). بنابراین پرسشنامه ۲۹ سؤالی حاضر دارای شش زیر مقیاس است که عبارتند از: صراحت و مردم آمیزی، گشودگی، در نظر گرفتن دیگران، پرخاشگری، حمایت گری و مشارکت، وابستگی. در پژوهش فتح و همکاران (۲۵) جهت بررسی پایایی پرسشنامه مشکلات بین فردی، از دو روش همسانی درونی و تنصیف استفاده گردید. بدین ترتیب که به منظور سنجش میزان همسانی درونی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد، به طوری که ضریب آلفای کرونباخ برای هریک از عوامل صراحت و مردم آمیزی، گشودگی، در نظر گرفتن دیگران، پرخاشگری، حمایت گری و مشارکت و وابستگی به ترتیب برابر بود با مقادیر ۰/۸۳، ۰/۶۳، ۰/۶۰، ۰/۸۳، ۰/۷۱ و ۰/۶۳ و برای نمره کل مقیاس مقدار آلفای کرونباخ معادل ۰/۸۲ به دست آمد. همچنین ضریب تنصیف برای هریک از عوامل صراحت و مردم آمیزی، گشودگی، در نظر گرفتن دیگران، پرخاشگری، حمایت گری و مشارکت و وابستگی به ترتیب مقادیری معادل ۰/۸۰، ۰/۷۰، ۰/۶۱، ۰/۸۸، ۰/۷۷ و ۰/۶۱ و برای کل مقیاس ۰/۸۳ حاصل گردید.

۳- پرسشنامه مقیاس دشواری در تنظیم هیجان (DERS): مقیاس دشواری در تنظیم هیجان توسط Roemer و Gratz (۳) طراحی شد که یک شاخص خود-گزارشی ۳۶ گویه ای است و سطوح نقص و نارسایی تنظیم هیجانی فرد را در اندازه های ۵ درجه ای از یک (تقریباً هرگز) تا ۵ (تقریباً همیشه) در ۶ زمینه عدم پذیرش، اهداف، تکانها، آگاهی، استراتژی و شفافیت می سنجد. از مجموع نمره ۶ زیر مقیاس آزمون، نمره

توصیفی شامل میانگین، انحراف استاندارد، کشیدگی و چولگی درج گردیده و همچنین آلفای کرونباخ عوامل پژوهش ارائه شده است. با توجه به نتایج جدول، بر اساس مقادیر آلفای کرونباخ، میزان پایایی عامل‌ها از ۰/۶۴ (کارکرد هویت) تا ۰/۸۷ (نمره کل مشکلات هیجانی)، در تغییر بود.

جدول شماره ۱: شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش

چولگی	کشیدگی	انحراف استاندارد	میانگین	α کرونباخ	عمل و خرده مقیاس
۰/۴۸	-۰/۵۰	۶/۲	۹/۷۷	۰/۸۴	۱. کارکردهای شخصیت
۰/۴۶	-۰/۷۳	۳/۴	۴/۶	۰/۷۷	۲. کارکرد خود
۰/۵۲	-۰/۶۸	۱/۹۰	۲/۲	۰/۶۴	۳. کارکرد هویت
۰/۵۲	-۰/۶۹	۱/۹۵	۲/۳	۰/۶۵	۴. کارکرد خود-جهت دمی
۰/۵۹	-۰/۰۸	۳/۵	۵/۱	۰/۷۶	۵. کارکرد بین فردی
۰/۳۱	-۰/۴۸	۱/۹۷	۳/۰۲	۰/۶۷	۶. کارکرد همدلی
۱/۰۶	۰/۶۴	۲/۱	۲/۱	۰/۷۴	۷. کارکرد صمیمیت
-۰/۰۴	-۰/۴۴	۱۴/۱	۴۳/۴	۰/۸۵	۸. مشکلات بین فردی
۰/۴۹	-۰/۳۲	۱۷/۴۵	۹۹/۱۴	۰/۸۷	۹. مشکلات هیجانی

در جدول شماره ۲ شاهد اطلاعات ماتریس همبستگی بین عوامل هستیم. چنانچه ملاحظه می شود بین همه عوامل به صورت دو به دو ارتباط مثبت و معناداری در سطح ($P < 0.01$) وجود دارد. همچنین مشاهده می شود که در ارتباط بین کلیه متغیرهای پیش‌بین با مشکلات بین فردی، بیشترین مقدار همبستگی مربوط به رابطه بین نمره کل کارکردهای شخصیت ($r = 0.69$) و کارکرد بین فردی ($r = 0.67$) و کارکرد بین فردی ($P < 0.01$) و همچنین بین کلیه متغیرهای پیش‌بین با مشکلات هیجانی، بیشترین مقدار همبستگی مربوط به کارکرد بین فردی با مشکلات هیجانی ($r = 0.46$) و کارکرد بین فردی ($P < 0.01$) می باشد.

کل فرد برای دشواری تنظیم هیجان محاسبه می شود. این مقیاس همسانی درونی بالا (آلفای کرونباخ ۰/۹۳) و پایایی بازآزمایی مطلوبی ($r = 0.88$) داشته و روایی سازه و پیش‌بین آن نیز مورد تأیید است (۲۶،۳). در پژوهش خجسته مهر، شیرالی‌نیا، رجیبی و بشلیده (۲۷) پایایی این مقیاس برای کل پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ و مطلوب گزارش شد.

از آنجایی که پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش کارکردهای شخصیت در مشکلات بین فردی و هیجانی، یک پژوهش همبستگی از نوع پیش‌بینی است، جهت تحلیل داده‌ها از طریق روش ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون ساده خطی سلسله مراتبی، از نرم افزار آماری SPSS 22 ورژن R استفاده گردید.

یافته ها

در این پژوهش دامنه سنی بین ۲۰-۵۳ سال با میانگین ۳۴ و انحراف استاندارد ۶/۶ بوده است. از میان ۲۴۵ نفر افراد شرکت کننده در این پژوهش، ۵۶/۳ درصد افراد زن بودند. بیشترین درصد افراد در مقطع لیسانس (۴۳/۷ درصد) بودند. همچنین ۲۴/۵ درصد در مقطع فوق لیسانس و ۴/۵ درصد در مقطع دکترا، ۲۳/۷ درصد دیپلم و فقط ۳/۷ درصد تحصیلات زیر دیپلم داشتند. در واقع تقریباً تمام افراد نمونه مورد مطالعه از سطح سواد خوبی برخوردار بوده‌اند. همچنین حدود ۳۵ درصد افراد بیکار بوده که البته این درصد افراد بیکار مربوط به خانم‌های متأهل خانه‌دار بود. در جدول شماره ۱ شاخص‌های

جدول شماره ۲: ماتریس همبستگی میان کلیه عوامل و خرده مقیاس‌های موجود در پژوهش ($n = 245$)

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱. کارکردهای شخصیت									
۲. کارکرد خود	۰/۸۸**								
۳. کارکرد هویت	۰/۷۸**	۰/۸۹**							
۴. کارکرد خود-جهت دمی	۰/۸۱**	۰/۹۰**	۰/۶۱**						
۵. کارکرد بین فردی	۰/۸۹**	۰/۵۸**	۰/۴۹**	۰/۵۵**					
۶. کارکرد همدلی	۰/۷۷**	۰/۵۳**	۰/۴۳**	۰/۵۲**	۰/۸۳**				
۷. کارکرد صمیمیت	۰/۷۴**	۰/۴۶**	۰/۴۱**	۰/۴۱**	۰/۸۶**	۰/۴۵**			
۸. مشکلات بین فردی	۰/۶۹**	۰/۵۵**	۰/۵۰**	۰/۴۹**	۰/۶۷**	۰/۵۸**	۰/۵۶**		
۹. مشکلات هیجانی	۰/۴۵**	۰/۳۳**	۰/۳۳**	۰/۲۸**	۰/۴۶**	۰/۳۸**	۰/۴۰**	۰/۴۵**	۱

* سطح معنی داری کم تر از ۰/۰۵ ($P < 0.05$)

** سطح معنی داری کم تر از ۰/۰۱ ($P < 0.01$)

به منظور تحلیل از روش رگرسیون خطی سلسله مراتبی استفاده شده است که نتایج حاصله در جدول شماره ۳ و ۴ قابل مشاهده است. نتایج تحلیل در جدول مذکور براساس ضریب همبستگی پیرسون (r)، ضریب تعیین (R^2)، تغییرات ضریب تعیین (ΔR^2) و ضریب رگرسیونی (β) درج گردیده است. لازم به ذکر است نتیجه آزمون دوربین واتسون (به عنوان شاخصی برای استقلال مشاهدات)، مقداری معادل ۲/۱ بود که در حد مناسب بوده و قابل پذیرش است.

جدول شماره ۳: نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی کارکردهای شخصیت روی مشکلات بین فردی

متغیرهای پیش بین	r	R^2	ΔR^2	β
۱. کارکرد خود	۰/۵۵**	۰/۳۱**	۰/۰۳**	۰/۹**
کارکرد هويت	۰/۵۰**	۰/۲۵**	۰/۰۲**	۱/۳۷**
کارکرد خود-جهت دهی	۰/۴۹**	۰/۲۴**	۰	۰/۵۲
۲. کارکرد بین فردی	۰/۶۸**	۰/۴۶**	۰/۲**	۲/۱**
کارکرد همدلی	۰/۵۹**	۰/۳۴**	۰/۰۷**	۲/۳۶**
کارکرد صمیمیت	۰/۵۶**	۰/۳۳**	۰/۰۷**	۲/۰۴**

* سطح معنی داری کم تر از ۰/۰۵ ($P < 0.05$)

** سطح معنی داری کم تر از ۰/۰۱ ($P < 0.01$)

جدول شماره ۴: نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی کارکردهای شخصیت روی مشکلات هیجانی

متغیرهای پیش بین	r	R^2	ΔR^2	β
۱. کارکرد خود	۰/۳۴**	۰/۱۲**	۰/۰۷	۰/۵۳
کارکرد هويت	۰/۳۳**	۰/۱۱**	۰/۰۱	۱/۲۵
کارکرد خود-جهت دهی	۰/۴۸**	۰/۲۰**	۰	-۰/۱۹
۲. کارکرد بین فردی	۰/۴۶**	۰/۲۱**	۰/۱۱**	۲**
کارکرد همدلی	۰/۳۸**	۰/۱۴**	۰/۰۳**	۱/۹**
کارکرد صمیمیت	۰/۴۰**	۰/۱۶**	۰/۰۵**	۲/۱۲**

* سطح معنی داری کم تر از ۰/۰۵ ($P < 0.05$)

** سطح معنی داری کم تر از ۰/۰۱ ($P < 0.01$)

چنانچه مشاهده می شود همبستگی مثبت و معنی داری در رابطه بین تمامی کارکردهای شخصیت با مشکلات بین فردی و هیجانی به دست آمد ($P < 0.01$). همچنین نتایج حاصله از رگرسیون سلسله مراتبی نشان داد که اگرچه رابطه کارکرد خود (تنها در زیرمقیاس کارکرد هويت) و کارکردهای بین فردی شخصیت (در هر دو

زیرمقیاس همدلی و صمیمیت) برای پیش بینی مشکلات بین فردی در سطح ($P < 0.01$) معنادار شده است، اما کارکردهای بین فردی شخصیت در مقایسه با کارکرد خود، سهم بیش تری را در پیش بینی مشکلات بین فردی داشت ($r = 0.68$, $\Delta R^2 = 0.2$, $\beta = 2.1$, $P < 0.01$) و متعاقباً زیر مقیاس همدلی در مقایسه با صمیمیت، با توان بیش تری قادر به پیش بینی مشکلات بین فردی بود ($r = 0.59$, $\Delta R^2 = 0.07$, $\beta = 2.36$, $P < 0.01$). از سویی دیگر در خصوص پیش بینی مشکلات هیجانی، تنها رابطه میان کارکردهای بین فردی شخصیت با مشکلات هیجانی مثبت و معنادار بود ($r = 0.46$, $\Delta R^2 = 0.11$, $\beta = 2$ ، $P < 0.01$) که در این میان کارکرد صمیمیت در مقایسه با همدلی، سهم پیش بینی کنندگی قوی تری داشت ($r = 0.40$, $\Delta R^2 = 0.05$, $\beta = 2.12$, $P < 0.01$).

بحث

نتایج حاصل از پژوهش جهت بررسی فرضیه پیش بینی مشکلات بین فردی براساس کارکردهای خود و بین فردی شخصیت، نشان داد که نقص در کارکردهای بین فردی بیش ترین توان پیش بینی را برای مشکلات بین فردی دارد که در این میان کارکرد همدلی نسبت به صمیمیت، سهم تأثیرگذاری بیش تری دارد. اما در خصوص فرضیه پیش بینی مشکلات هیجانی، کارکرد بین فردی و مؤلفه های آن (کارکردهای همدلی و صمیمیت) با مشکلات هیجانی، ارتباط مثبت و معناداری داشته که در این میان کارکرد صمیمیت نسبت به همدلی، سهم تأثیرگذاری بیش تری دارد. هرچند پیشینه تحقیقاتی کمی در رابطه با عنوان مورد بررسی این پژوهش وجود دارد، اما می توان نتایج حاصله را به نوعی با نتایج برخی پژوهش ها که به لحاظ محتوایی نزدیک به موضوع مورد بررسی هستند، مقایسه نمود.

نتایج پژوهش انجام شده توسط Benzi و همکاران (۱۶) نشان داد که نقص در سطوح کارکرد بین فردی شخصیت، نوسانات درونی تجربه شده در

دوره رشدی نوجوانی را که مربوط به تنظیم هیجانات مرتبط با اضطراب یا احساس عدم امنیت جدایی و همچنین نگرانی از صمیمیت و رابطه با دیگران می‌باشد، توجیه می‌کند که به نوعی مشکلات بین فردی و نیز هیجانی را پوشش می‌دهد و با نتایج پژوهش حاضر هم راستا می‌باشد. همچنین نتایج پژوهش Kizilkurt و همکاران (۱۵) به منظور بررسی تأثیرات کارکردهای شخصیت روی کارکردهای بیماران مبتلا به اختلال دو قطبی نوع یک، نشان داد که در واقع کاهش سطح کارکردهای شخصیت (خرده مقیاس کارکرد بین فردی صمیمیت) با کارکرد کلی و عمومی بیماران و به طور جزئی تر با خرده مقیاس های روابط با دوستان و شرکت در فعالیت های اجتماعی که به نوعی از مؤلفه های بین فردی محسوب می شوند، رابطه منفی و معنی داری داشت و به طور معنی داری پیش بینی کننده ضعف در کارکرد کلی بود که از جهاتی با نتایج پژوهش حاضر همسو می باشد. در تبیین یافته مورد نظر می توان گفت که عامل نقص در کارکردهای شخصیت یکی از پیش بین های بسیار قوی در ایجاد مشکلاتی است که عملکرد فرد را هم در حال حاضر و هم در آینده، تحت الشعاع خود قرار می دهد (۲۹، ۲۸، ۱۴). اهمیت اختلالات حیطه شخصیت از آن جهت برجسته تر می شود که به دلیل مزمن بودن، بر تمامی عملکردهای رفتاری، هیجانی، شناختی و ارتباطی افراد تأثیر گذار می باشد (۳۰). بنابراین اهمیت نقش نقص در کارکردهای شخصیت و به طور خاص کارکرد بین فردی در پیش بینی مشکلات بین فردی و هیجانی مشخص می شود. در خصوص این فرضیه که کارکرد بین فردی شخصیت و اخصاً کارکرد همدلی با توان بالایی قادر به پیش بینی مشکلات بین فردی می باشد، همسوئی با نتایج برخی پژوهش ها مشاهده شد. از آن جمله در پژوهش نجاریان و عبدی (۳۱)، نتایج حاکی از وجود رابطه مثبت و معنی داری بین ابعاد نابهنجار شخصیت و مشکلات بین فردی بود. همچنین این یافته از پژوهش با نتایج برخی پژوهش های قبلی مبنی بر وجود

رابطه مثبت و معنی دار بین همدلی با جنبه های مختلف روابط بین فردی، همسو می باشد (۳۵، ۳۲-۱۹). علاوه بر این نتایج پژوهش حاضر با یافته های پژوهش دیگری (۳۶) که مبین وجود رابطه منفی بین همدلی با خشم و پرخاشگری رابطه ای بود، همخوانی دارد (لازم به ذکر است که پرخاشگری از جمله مؤلفه های مشکلات بین فردی در پژوهش حاضر بوده که مختل کننده روابط بین فردی می باشد). در تبیین این فرضیه می توان عنوان نمود که شخصیت نقش بسیار مهمی در مبنای روان شناختی روابط بین فردی پایدار داشته و بنابراین یکی از عوامل مهم پیش بین در تعیین موفق یا ناموفق بودن روابط و تعاملات انسانی است (۳۷). در همین راستا ویژگی شخصیتی همدلی مؤلفه بسیار حائز اهمیتی در پدید آیی رفتارهای نوع دوستانه می باشد (۳۸). در واقع این کارکرد، ظرفیتی بنیادین برای انسان ها و به عنوان نیرویی برانگیزاننده برای رفتارهای اجتماعی در روابط بین فردی و همچنین نیروی برانگیزاننده برای رفتارهایی محسوب می شود که انسجام گروهی را در پی دارند (۳۹). ابراز مناسب و مؤثر همدلی منوط به داشتن مهارت های اجتماعی و همچنین روابط بین فردی با کیفیت و مؤثر و بهزیستی روانشناختی و جسمانی می باشد (۴۰). از سوی دیگر هرچه در حیطه روابط و عملکرد بین فردی، نقص و مشکلات بیش تری وجود داشته باشد، مهارت های فردی جهت مقابله با مسائل مربوط به این حیطه کم تر شده و در نتیجه مشکلات بین فردی افزایش می یابد و متعاقباً فرد شانس برخورداری از یک زندگی بهتر و احساس رضایت و سلامتی در زندگی را از دست خواهد داد (۴۱). اما سؤال اساسی که در این میان مطرح می شود این است که به چه دلیل از بین این دو عامل اصلی کارکردهای خود و بین فردی شخصیت، کارکرد بین فردی بیش ترین توان پیش بینی را در مشکلات بین فردی و هیجانی دارد؟

در تبیین این مساله باید به این نکته اشاره کرد ارتباط بین فردی، یکی از اساسی ترین و با ارزش ترین نیازهای زندگی انسان است که ناکامی در ارضای این

نیاز منجر به تجربه عمیق و ناخوشایند تنهایی می‌شود (۴۲) چرا که انسان ماهیتاً، موجودی اجتماعی است و بیش‌ترین ساعات عمرش در ارتباط با افراد دیگر سپری می‌شود. بنابراین روابط بین‌فردی نقش حائز اهمیتی در زندگی هر فرد دارد (۴۳). از سویی دیگر در خصوص این فرضیه که هر دو کارکرد بین‌فردی شخصیت (همدلی و صمیمیت) و اخصاً کارکرد صمیمیت با توان بالایی قادر به پیش‌بینی مشکلات هیجانی می‌باشد، همسویی با نتایج برخی پژوهش‌ها مشاهده شد. از آن جمله یافته‌های پژوهش Abbott (۱۸) نشان داد که بین صمیمیت و کارکردهای رابطه با دشواری‌های تنظیم هیجان (مشکلات هیجانی) رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش بشارت و همکاران (۴۴) و van Dam-Baggen و همکاران (۴۵) نشان داد که بین نقص و مشکل در حیطه روابط بین‌فردی با نشانه‌های اضطراب رابطه مثبت معناداری وجود دارد. بدین ترتیب از آنجایی که اضطراب به نوعی یک مشکل خلقی و هیجانی محسوب می‌شود، می‌توان نتایج پژوهش‌های مذکور را از جهاتی هم‌راستا با یافته حاصل از پژوهش حاضر تلقی نمود. این یافته از نتایج پژوهش حاضر به شرح زیر تبیین می‌شود:

صمیمیت به‌عنوان یک نیاز روانشناختی بنیادین و به منزله مفهومی پویا در حوزه روابط بین‌فردی می‌باشد که به معنای باز بودن در روابط بین‌فردی، عدم اجتناب از روابط و همچنین نزدیکی دو یا چند نفر در حیطه‌های مختلف عاطفی، منطقی و عملکردی بوده و در بستر و زمینه روابط انسانی ایجاد می‌شود. پویایی این مفهوم از این منظر توضیح داده می‌شود که مجموع و برآیند تمامی ابعاد و کلیت یک رابطه است و چنانچه شکاف یا نقصی در هر یک از ابعاد یک رابطه بین‌فردی وجود داشته باشد، در نتیجه بر کلیت آن رابطه هم تأثیر می‌گذارد (۴۶). همچنین صمیمیت، یکی از مؤلفه‌های مهم در پیش‌بینی سلامت عملکرد جسمانی و روانی به ویژه در حیطه‌هایی از قبیل ازدواج، روابط با دیگران، موقعیت‌هایی

با حوادث تلخ و مصیبت وار و همچنین واکنش به استرس در لحظات هیجانی می‌باشد (۴۷). همچنین همدلی مؤلفه‌ای بسیار ارزشمند و ضروری برای ابراز واکنش هیجانی مناسب به عواطف و احساسات سایر افراد محسوب می‌شود (۴۸). پاسخ همدلی مناسب و مؤثر، نیاز مبرمی به توانایی برقراری تمایز میان خود و دیگران و همچنین کنترل و مدیریت هیجانی دارد (۴۹). داشتن روابط اجتماعی مثبت و پاسخ‌دهی همدلانه، منوط به داشتن ظرفیت درک و فهم هیجانات و تجربیات احساسی سایر افراد است که این مهم از طریق تجربه جانشینی هیجانات مشابه با آنچه در دیگران وجود دارد، اتفاق می‌افتد. این تجربه و توانایی از نظر شناخت‌شناسی اهمیت قابل توجهی دارد چرا که باعث می‌شود فرد ارزیابی مستقیمی از رفتارهای دیگران داشته باشد و به عبارتی این توانایی به فرد امکان می‌دهد که رفتارها یا عواطف افراد دیگر را فهمیده و پیش‌بینی نماید و در عملکردها، افکار و خواسته‌های خود نسبت به آن‌ها واکنش و پاسخ مناسبی دهد (۵۰). در واقع می‌توان گفت که مهارت‌های همدلی به افراد کمک می‌کند تا از طریق مدیریت، کنترل و تنظیم هیجانات منفی، روابط بین‌فردی خود را اصلاح نموده و کنترل بیش‌تری بر آن داشته باشند و بدین ترتیب سلامت و سازگاری روانشناختی خود را بالا ببرند.

بنابراین بر اساس نتایج پژوهش حاضر مبنی بر نقش کارکردهای بین‌فردی شخصیت در پیش‌بینی مشکلات بین‌فردی و هیجانی، پیشنهاد می‌شود اقدامات مشاوره‌ای، مداخله‌ای و آموزشی جهت بهبود مشکلات بین‌فردی شخصیتی افراد، در دست اقدام قرار گرفته و همچنین تدابیری برای برنامه‌های آموزش همدلی و برقراری روابط بر مبنای صمیمیت، جهت بهبود روابط بین‌فردی و نیز مدیریت سازگاران هیجانات، اتخاذ شود.

سپاسگزاری

این مقاله از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی بالینی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم

راستای اجرای این پژوهش همکاری نموده و با حضور خود موجب پیشبرد اهداف پژوهش شدند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کند.

تحقیقات تهران، برگرفته شده است و کلیه ملاحظات اخلاقی انجام پژوهش به تأیید واحد کمیته اخلاق دانشگاه رسیده است. پژوهشگران از همه شرکت کنندگانی که در

References

1. Aldao A, Nolen Hoeksema S, Schweizer S. Emotion-regulation strategies across psychopathology: A meta-analytic review. *Clin Psychol Rev* 2010; 30(2): 217-237.
2. Garnefski N, Kraaij V. Relationships between cognitive emotion regulation strategies and depressive symptoms: A comparative study of five specific samples. *Pers Individ Differ* 2006; 40(8): 1659-1669.
3. Gratz KL, Roemer L. Multidimensional assessment of emotion regulation and dysregulation: Development, factor structure, and initial validation of the difficulties in emotion regulation scale. *J Psychopathol Behav Assess* 2004; 26(1): 41-54.
4. Hasani J, Azadfalsh P, Rasoulzade Tabatabaei K, Ashayeri H. The assessment of cognitive emotion regulation strategies according to neuroticism and extraversion personality dimensions. *Advances in Cognitive Science* 2009; 10(4): 1-13 (Persian).
5. Sifneos PE. The prevalence of 'alexithymic' characteristics in psychosomatic patients. *Psychother Psychosom* 1973; 22(2): 255-262.
6. Dwyer D. *Interpersonal Relationship*. 3rd ed. kind book publisher; 2014.
7. Horowitz LM, Rosenberg SE, Bartholomew K. Interpersonal problems, attachment styles, and outcome in brief dynamic psychotherapy. *J Consult Clin Psychol* 1993; 61(4): 549-560.
8. Daley SE, Hammen C, Davila J, Burge D. Axis II symptomatology, depression, and life stress during the transition from adolescence to adulthood. *J Consult Clin Psychol* 1998; 66(4): 595-603.
9. Heller TL, Baker BL. Maternal negativity and children's externalizing behavior. *Early Educ Dev* 2000; 11(4): 483-498.
10. Millon T. *Millon index of personality styles Revised*: NCS Pearson; 2004.
11. Hosseini B. *Field of couple therapy*. 1st ed. Tehran: Jangal publisher; 1389.
12. Amini M, Pourshahbaz A, Mohammadkhani P, Ardakani MRK, Lotfi M. The DSM-5 levels of personality functioning and severity of Iranian patients with antisocial and borderline personality disorders. *Iran Red Crescent Med J* 2015; 17(8) (Persian).
13. Hopwood CJ. Personality traits in the DSM-5. *J Pers Assess* 2011; 93(4): 398-405.
14. Bender DS, Zimmermann J, Huprich SK. Introduction to the Special Series on the Personality Functioning Component of the Alternative DSM-5 Model for Personality Disorders. *J Pers Assess* 2018; 100(6): 565-570.
15. Kizilkurt OK, Gulec MY, Giynas FE, Gulec H. Effects of personality functioning on the global functioning of patients with bipolar disorder I. *Psychiatry Res* 2018; 266: 309-316.
16. Benzi IMA, Preti E, Di Pierro R, Clarkin JF, Madeddu F. Maladaptive personality traits and psychological distress in adolescence: The moderating role of personality functioning. *Pers Individ Differ* 2019; 140: 33-40.
17. Abdi R, Pak R. Investigating the Structural Relationship between Pathological Personality

- Dimensions and Emotion Dysregulation in Students of Azerbaijan Shahid Madani University and Islamic Art University of Tabriz in 2016. *J Rafsanjan Univ Med Sci Health Serv* 2017; 16(4): 293-306 (Persian).
18. Abbott BV. Emotion dysregulation and re-regulation: Predictors of relationship intimacy and distress: Texas A&M University; 2005.
 19. Gutiérrez MS, Escartí AC, Pascual CB. Relationships among empathy, prosocial behavior, aggressiveness, self-efficacy and pupils' personal and social responsibility. *Psicothema* 2011; 23(1): 13-19.
 20. Anderson JC, Gerbing DW. Structural equation modeling in practice: A review and recommended two-step approach. *Psychol Bull* 1988; 103(3): 411-423.
 21. Nunnally JC. Psychometric theory 3E: Tata McGraw-Hill Education; 1994.
 22. Hutsebaut J, Feenstra DJ, Kamphuis JH. Development and Preliminary Psychometric Evaluation of a Brief Self-Report Questionnaire for the Assessment of the DSM-5 level of Personality Functioning Scale: The LPFS Brief Form (LPFS-BF). *Personality Disorders: Theory Res Treat* 2015; 7(2): 192-197.
 23. Amini M, Lotfi M, Azad E, Karami A. Assessing the DSM-5 Levels of Personality Functioning: Development and Psychometric Evaluation of the Brief Semi-Structured Interview for DSM-5 Personality Functioning (BSSIDPF). *J Mazandaran Univ Med Sci* 2018; 28(167): 121-132 (Persian).
 24. Barkham M, Hardy GE, Startup M. The IIP 32: A short version of the Inventory of Interpersonal Problems. *Br J Clin Psychol* 1996; 35(1): 21-35.
 25. Fath N, Azadfallah P, Rasoolzadeh Tabatabaee K, Rahimi Ch. Validity and Reliability of the Inventory of Interpersonal Problems (IIP-32). *Journal of Clinical Psychology* 2013; 5(3):69-80 (Persian).
 26. Gratz KL, Tull MT. Emotion regulation as a mechanism of change in acceptance-and mindfulness-based treatments. Assessing mindfulness and acceptance processes in clients: Illuminating the theory and practice of change. 2010: 107-133.
 27. KhojastehMehr R, Shiralinia K, Rajabi G, Beshlideh K. The Effects of Emotion-Focused Couple Therapy on Depression Symptoms Reduction and Enhancing Emotional Regulation in Distressed Couples. *Journal of Applied Counseling*. 2013; 3(1): 1-18 (Persian).
 28. Bender DS, Morey LC, Skodol AE. Toward a model for assessing level of personality functioning in DSM-5, part I: A review of theory and methods. *J Pers Assess* 2011; 93(4): 332-346.
 29. Weekers LC, Hutsebaut J, Kamphuis JH. The Level of Personality Functioning Scale Brief Form 2.0: Update of a brief instrument for assessing level of personality functioning. *Personal Ment Health* 2019; 13(1): 3-14.
 30. Amini M, Dabaghi P, Lotfi M. The investigation of psychometric properties of the Persian version of personality inventory for DSM-5 (PID-5) in soldiers. *J Mil Med* 2018; 20(2): 145-153 (Persian).
 31. Najarian K, Abdi R. The Relationship between Maladaptive Personality Traits and Interpersonal Problems in Elderly People. *Salmand: Iranian Journal of Ageing* 2020; 14(4): 422-435 (Persian).
 32. Besharat MA, Khodabakhsh MR, Farahani H, Rezazadeh SMR. Mediation role of narcissism on the relationship between empathy and quality of interpersonal relationships. *Journal of Applied Psychology* 2011; 5(1): 7-23 (Persian).

33. Gleason KA, Jensen Campbell L, Ickes W. The role of empathic accuracy in adolescents' peer relations and adjustment. *Pers Soc Psychol Bull* 2009; 35(8): 997-1011.
34. Lovett BJ, Sheffield RA. Affective empathy deficits in aggressive children and adolescents: A critical review. *Clin Psychol Rev* 2007; 27(1): 1-13.
35. Munro D, Bore M, Powis D. Personality factors in professional ethical behaviour: Studies of empathy and narcissism. *Aust J Psychol* 2005; 57(1): 49-60.
36. Loudin JL, Loukas A, Robinson S. Relational aggression in college students: Examining the roles of social anxiety and empathy. *Aggressive Behavior* 2003; 29(5): 430-439.
37. Huston TL, Houts RM. The psychological infrastructure of courtship and marriage: The role of personality and compatibility in romantic relationships. in: bradbury 1998. 114-151.
38. Eisenberg N, McNally S. Socialization and mothers' and adolescents' empathy-related characteristics. *J Res Adolesc* 1993; 3(2): 171-191.
39. Jolliffe D, Farrington DP. Empathy and offending: A systematic review and meta-analysis. *Aggress Violent Behav* 2004; 9(5): 441-476.
40. Segrin C, Taylor M. Positive interpersonal relationships mediate the association between social skills and psychological well-being. *Pers Individ Differ* 2007; 43(4): 637-646.
41. Horowitz LM. On the cognitive structure of interpersonal problems treated in psychotherapy. *J Consult Clin Psychol* 1979; 47(1): 5-15.
42. Sullivan HS. The interpersonal theory of psychiatry, New York (WW Norton). 1953.
43. Schultz DP, Schultz SE. Theories of Personality. 10th ed. Tehran: virayesh publisher; 2012.
44. Besharat MA, Hedayati M, Nikuzadeh EK. mediating role of interpersonal problems in the relationship between attachment pathologies and anxiety symotoms. *Developmental Pscychology* 2014; 10(39): 225-236 (Persian).
45. van Dam Baggen R, Kraaimaat F. Group social skills training or cognitive group therapy as the clinical treatment of choice for generalized social phobia? *J Anxiety Disord* 2000; 14(5): 437-451.
46. Hotfield E, Bensman L, Rapson RL. Love and intimacy. In V.S. Ramachandran (Eds). *Encyclopedia of Human Behavior*. 2nd ed. New York: Academic Press; 2012, 550-560.
47. Miller RS, Lefcourt HM. The assessment of social intimacy. *J Pers Assess* 1982; 46(5): 514-518.
48. Nummenmaa L, Hirvonen J, Parkkola R, Hietanen JK. Is emotional contagion special? An fMRI study on neural systems for affective and cognitive empathy. *Neuroimage* 2008; 43(3): 571-580.
49. De Wied M, Gispén De Wied C, Van Boxtel A. Empathy dysfunction in children and adolescents with disruptive behavior disorders. *Eur J Pharmacol* 2010; 626(1): 97-103.
50. Fitzgibbon BM, Giummarra MJ, Georgiou Karistianis N, Enticott PG, Bradshaw JL. Shared pain: from empathy to synaesthesia. *Neurosci Biobehav Rev* 2010; 34(4): 500-512.